

## روابط عروس با مادر شوهر

در تحلیل روابط میان عروس‌ها و مادرشوهرها، محور بحث، حول وجود آقا دامادها می‌باشد. دامادی که برای عروس خانم شوهر و شریک زندگی است و برای مادر عزیزش پاره‌ی تن و مونس جان. مادر، فرزند خویش را دوست دارد و او را جگرگوشه‌ی خود می‌داند. مادر، پسرش را که حالا دیگر برای خود مردی شده و همسری انتخاب کرده است، باز هم همان پسرک خردسال، نوجوان و جوانک سال‌ها پیش می‌پندارد که در آغوشش پرورش یافته است. مادر پسر را همواره برای خود می‌خواهد و همچنان‌که این‌تارگرانه همه‌ی مهر و محبت خویش را نثار راه رشد و کمال و سعادت فرزند می‌نماید، خود نیز به مهر و محبت او در هر شرایطی نیاز دارد و این نیاز به هنگام جدایی و تنهایی، ایام پریشانی و بیماری و به ویژه در دوران پیری و حمایت‌خواهی، بیش از پیش خودنمایی می‌کند.

هر اندازه میزان وابستگی عاطفی مادر با پسر بیشتر و بیشتر باشد، این نگرانی و دل‌مشغولی با شدت فراوان‌تری در فکر

و اندیشه و کلام و رفتار مادر جلوه‌گر خواهد بود. برخی از مادران ماه‌ها و بلکه سال‌ها پس از ازدواج پسرشان هنوز نمی‌توانند نگرانی‌شان را از وضعیت فرزندشان پنهان دارند و حتی گاه نسبت به خوراک روزانه پسر نیز احساس نگرانی می‌کنند و چنین خیال می‌کند که عروس خانم نمی‌تواند غذای دلخواه پسرشان را تهیه کند. مادر به یقین دوست دارد که

آرزوی دیرینه‌اش تحقق یابد و پسر عزیزش جامه‌ی دامادی به تن کرده، در کنار عروس دلخواهش زندگی مستقلی را تشکیل دهد و آن را اداره نماید، اما دل‌واپس چگونگی ارتباط و پیوند مستمر عاطفی پسر با او و نیز نحوه‌ی رابطه‌ی او، یعنی آقا داماد است. این‌گونه پندارها و حمایت‌های افراطی ناشی از آن، خود

زمینه

پدیدآیی بازخوردها، نگرش‌ها و رفتارهای نه‌چندان مطلوب نسبت به شخصیت عروس خانواده می‌باشد. از سوی دیگر، عروس خانم با دنیایی از آرزوها، آرمان‌ها، رویاها و اندیشه‌ها و با کوله‌باری از سفارش‌ها و توصیه‌های خانواده‌ی خود، به ویژه مادر و مادر بزرگ پای به زندگی جدیدی گذارده است، می‌خواهد با همسر همدل و همراهش حیات پربرکت و پرتلاشی را آغاز نماید. آقا داماد برای عروس خانم همسری است همراه، رفیقی است شفیق، دوستی است صمیمی

همدلی است همراز و او بحق همسر را تن‌پوش خود می‌داند و خویش را تن‌پوش همسر (نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَاسٍ لَّكُمْ وَ اَنْتُمْ

لَهُنَّ قُرَّانٌ كَرِيمٌ). عروس خانم نیز سعادت، خوشبختی و آرامش زندگی مشترک را در گرو بذل محبت و تعلق خاطر

متقابل می‌بیند. او همه‌ی توجه و محبت، فکر و اندیشه و جاذبه همسر را برای خود می‌خواهد و دوست دارد با همه

وجود در خانه دل همسر جادوانه جای بگیرد. عروس خانم به رغم بسیاری از واقعیت‌ها نمی‌خواهد و نمی‌تواند جایگاه

اول همسرش را به عنوان «...» آن مادری که وصفش رفت شاهد باشد، او نمی‌خواهد شوهرش را آقا پسر همیشه‌ی مادر و یا «...» ببیند، هر چند که مادر داماد چنین بیندیشد و چنین بخواهد!

مشناق است که فکر و روان همسر را در اختیار داشته باشد و با نظر و مشورت او کانون خانواده را بیاراید و برنامه زندگی مشترک را تنظیم و اجرا نماید. عروس خانم مایل نیست که کس دیگری جز او به شوهرش چیزی بگوید، از او چیزی بخواهد و یا فکر و اندیشه او را حتی برای زمان کوتاهی به دور از چشم همسر در اختیار داشته باشد، ولو اینکه این فرد مادر عزیز شوهرش باشد. دخالت مستمر مادرشوهرها در برنامه‌های زندگی زوج‌های جوان، احضار پی در پی پسر ( و ارائه توصیه‌های ویژه و نسخه‌های خاص، در اختیار گرفتن بخش قابل توجهی از اوقات او و قرار دادن وی در موقعیت دوگانگی احساس و تعارض روانی و بعضاً بدخلقی‌ها، سردی‌ها و ستیزهای ناشی از آن، زمینه‌ی بدبینی و پیش‌فرض‌های نادرستی را در اذهان بسیاری از عروس خانم‌ها ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، بعضی از مادرشوهرها به دلایل گوناگون شخصی، اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی و یا برای احتراز بر چسب‌ها، نگرش‌ها و اتهامات ناروای دخالتگری، با ازدواج پسر و حضور عروس خانم در خانه‌ی بخت، ارتباط و مراوده‌ی خود را با خانواده پسر و شخص عروس خانم به حداقل رسانده، با احساس عدم دخالت در زندگی زوج جوان از کنار همه‌ی مسائل با بی‌تفاوتی گذر می‌کنند و لب فرو می‌بندند و گاه به رغم میل باطنی و با وجود دنیایی از نگرانی‌ها و دلوآپسی‌ها، سیاست در کنار بودن و سکوت کردن را پیشه‌ی خود می‌کنند.

در فرهنگ‌های مختلف و در میان مردمان شهرها و روستاها، با باورها و اعتقادات و انتظارات گوناگون و معیارهای ارزشی متمایز، عروس و داماد، مادر داماد و مادر عروس همواره از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار بوده و هستند.

در حقیقت همان‌گونه که اشاره شد، ریشه‌ی نگرش‌های منفی نسبت به نزدیکان و خویشان نسبی و سببی و تبلور رفتارهای ناخوشایند؛ در خودپرستی‌ها و خودخواهی‌ها، ضعف شخصیت، تعصبات غیر معقول و محدودیت‌های فکری، بدآموزی‌ها و بی‌بهره بودن از شیوه‌های مطلوب تربیتی و روش‌های متعالی برقراری و تداوم ارتباط موثر، مفید، متقابل، پویا و رضایت‌بخش با دیگران و نزدیکان است.

در فرهنگ اسلامی، هدف غایی از ازدواج نیل به آرامش و فلاح و رستگاری دنیوی و اخروی است. ازدواج به عنوان یک پدیده‌ی مقدس و یک ضرورت و نیاز فطری و روانی برای جوانی که صلاحیت، کفایت و قابلیت همسری را احراز می‌نماید، در این نگاه؛ فرایند ازدواج، زوج شدن دختر و پسر کفو و همراه، لزوماً به معنای همزمانی آن با تشکیل خانواده و زندگی مستقل و جداگانه و نیز فرزندآوری نیست. چرا که فرزندآوری مستلزم کسب آمادگی‌ها و قابلیت‌ها، پذیرش مسوولیت‌های بیشتر، احراز کفایت‌های پدری و مادری، برنامه‌ریزی و دعا و نیایش و طلب فرزندی صالح و نورچشمی پربرکت از خالق یکتاست.

لذا اساس ازدواج و معنای زوجیت و همسر شدن دختر از یک خانواده ( ) و پسری از خانواده دیگر ( ) تأمین و ارضای نیازهای فطری و رسیدن به آرامش روانی و سکینه ی قلبی . در این معنا، زن منبع آرامش بخشی وجود مرد و مرد تأمین کننده ی نشاط درون و امنیت خاطر زن است.

اصلی ترین شاخصه و والاترین معیار موقّیّت و سعادت‌مندی زن و شوهر، دل آرامی و نشاط روانی آنهاست.

با نگرشی خردمندانه، انتظار معقول آن است که همه ی مادران و پدران مهربان، مادرشوهرهای با محبّت و مادرزن‌های دلسوز؛ فکر و نیّت خالصانه، رفتار صادقانه و تلاش اینارگرانه‌شان تنها در جهت تحکیم روابط میان عروس و داماد، تقویت روحیه ی آرامش‌گری و سکینه ی خاطر ایشان باشد. در یک کلام باید گفت که معیار و میزان و دامنه و گستره ی روابط خانوادگی باید افزایش نشاط روانی، آسایش خیال و رشد و اعتلای وجود عروس و داماد باشد.

با این نگاه، مادرشوهری موقّی و تواناست که همواره با پندار و رفتار عاقلانه، مخلصانه و فداکارانه ی خویش زمینه دوستی، مودّت و محبّت میان پسر خود و عروس خانم را بیشتر کند و با محبّتی که به عروسش ابراز می‌نماید کانون گرمی او نیز افزون .

در واقع، عروس خانم برای مادرشوهرهای مهربان و فهمیم همچون دختری عزیز و دوست داشتنی است. مادرشوهرهای وارسته و دوراندیش همسر پسرشان را فرزندی دل‌بند می‌پندارند و آرامش و راحت او را آرزوی قلبی خود می‌دانند و خدای ناکرده او را به عنوان رقیب کشش‌های عاطفی و خواست‌های روانی خود نمی‌بینند.

ها می‌توانند صمیمی‌ترین یار، با محبّت‌ترین دوست و با وفاترین فرزند برای مادرشوهرهای صبور خود باشد مادرشوهرها نیز می‌توانند برای همیشه مادری مهربان، دلسوز و پرعطوفت برای عروس خانم‌های فهمیم و قدرشناس خویش باشند.

مادر شوهرهای کریم و با صلابت به‌درستی می‌دانند که محبّت به معنای گذشت، ایثار، صداقت، صبوری و احسان، جان مایه حیات پربرکت، آرامش روان و نشاط و سرزندگی است.

مادرشوهای با فضیلت آگاهند که اعتماد به نفس زوج‌های جوان، گرمی زندگی مشترک آنان، سلامت فکر و روان، تحرک و پویایی و حسن تدبیر آقا دامادها و عروس خانم‌ها در دور بودن از دخالت‌ها و اظهارنظرهای غیرلازم، تشویق‌ها و نگرانی‌های بی بودن از شک‌ها و بدبینی‌ها، حفظ زبان از آسیب‌ها و مجهز بودن به زبان تشویق، ترغیب و تأیید خوبی‌ها و درستی‌هاست.

مادرشوهرهای صالح، متعهد و آینده‌نگر به نیکی واقفند و باور دارند که شایسته آن است که به جای زبان انتقاد، کلام آمیز، رفتار دخالت‌گرانه و تحقیرآمیز، از کلام تأیید و تشویق، سخن محبّت‌آمیز، رفتار حمایتی و هدایتی و همراه با تکریم شخصیت زوج‌های جوان بهره گرفت.

مادرشوهرهای مطلوب و نمونه باور دارند که گفتار و رفتارشان در مقابل عروس خانم باید به گونه‌ای باشد که فرزندان ایشان (خواهر شوهرها و برادر شوهرهای عروس خانم) نیز زبان تشویق و تأیید، محبّت و تکریم و رفتار منطقی و عطفانه را بیاموزند.

مادر شوهرهای بلنداندیش به‌خوبی می‌دانند که بخشی از شخصیت عروس خانم جوان‌شان در زندگی مشترک با پسرشان تکوین می‌یابد؛ لذا سعی می‌کنند مستعدترین بستر را برای تکوین مطلوب شخصیت فردی و اجتماعی عروس و داماد فراهم آورند.

مادر شوهرهای بصیر و متعهد همواره فرزندشان را به حمایت همه‌جانبه از همسر تشویق نموده و از ایشان می‌خواهند که همسرشان را همراز خود بدانند و شریک زندگی دنیوی و همسفر اخروی.